

تنها با تعلیم و تربیت می‌توان آدم شد  
و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد، نیست.

«امانوئل کانت»<sup>(۱)</sup>

## مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه

### گامی اساسی در فقرزدایی روستا

● مهندس محمدرضا عباسی

خویشتن»<sup>(۱)</sup> زایل خواهد شد و اعتماد به نفس آنان تضعیف و دچار خسران می‌گردد. از این رو، در هنگام حضور در اجتماع، احساس غریب و سرشکستگی می‌نمایند و احساس خود ناباوری در آنان بروز خواهد کرد. بدیهی است، در چنین وضعیتی فرد از فعالیتهای جمعی و گروهی گریزان خواهد شد.

این در حالی است که آموزش افراد مزبور که نیازمند مراقبت‌های آموزشی ویژه‌ای هستند، با روش‌های سنتی و سبک‌های یادگیری<sup>(۱۱)</sup> صرفاً گروهی، بسیار مشکل است و حتی موجب می‌شود، در برخی موارد این ناتوانیها و نارساییها به گونه‌ای مضاعف در نزد آنان جلوه‌گر شود.

آموزش افراد معلول و ناتوان و نیز آنهایی که از دشواریهای محیطی، اقتصادی و فرهنگی رنج می‌برند، به ویژه در آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی - از جمله آموزش و ترویج کشاورزی - مشکل‌تر و جنبه‌ی حادثتری به خود می‌گیرد. به همین دلیل، غالباً در کشورهای در حال توسعه به علت عدم توانایی و تخصص کافی در نزد برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی، افراد مزبور از فهرست یادگیرندگان و بهره‌برداران برنامه‌های آموزش و ترویج کشاورزی، حذف شده‌اند.

اینک زمان آن رسیده است که این شهروندان

در راستای توسعه تعلیم و تربیت و اعطای این حق اجتماعی و همگانی، در دهه‌های اخیر، کشورهای توسعه یافته، راه کارهای گوناگونی برای آموزش این گونه افراد اتخاذ کرده‌اند. برخی از این راه کارها عبارتند از: تعدیل و سازگار ساختن محیط آموزشی، طراحی آموزشی خاص، طراحی و به کارگیری تجهیزات، مواد و رسانه‌های آموزشی ویژه که عموماً متفاوت از منابعی هستند که برای یادگیرندگان عادی استفاده می‌شود.

یادگیرندگانی که دچار برخی ناتوانیها، معلولیتها و عقب ماندگیها هستند، در واقع افرادی می‌باشند که در فرایند آموزش - یادگیری<sup>(۸)</sup>، نیاز به مراقبتها و حمایت‌های خاص دارند. چنانچه این مراقبت‌های ویژه، از سوی نظام تعلیم و تربیت نادیده انگاشته شود، افراد مزبور، از فرصت‌های آموزشی<sup>(۹)</sup> که یکی از مواهب اجتماعی و از حقوق حقه هر شهروند است، محروم می‌گردند.

از سوی دیگر، عدم توجه به نیازهای خاص این افراد موجب می‌شود که آنان صرفاً به دلیل ناتوانیها و دشواریهایی که دارند، عقب نگه داشته شوند. در نتیجه این افراد به علت فقر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا شخصیتی در جامعه انگشت نما می‌شوند و تحت تأثیر این روی کرد، مداوماً با احساس جدایی از جامعه خو می‌گیرند. با ایجاد چنین دیواری بین آنان و جامعه، «مفهوم -

#### ■ مقدمه

درباره تعلیم و تربیت<sup>(۲)</sup> و آثار مترتب بر آن، از دیرباز، سخن فراوان گفته‌اند. جمله صاحب‌نظران انفاق نظر دارند که تعلیم و تربیت یگانه راه تحقق توسعه واقعی انسان و به تبع آن، تنها منشاء اساسی برای رسیدن جوامع به کمال مطلوب است.<sup>(۳)</sup> این در حالی است که اعلامیه حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸، تصریح کرده است که: «همگان حق تعلیم و تربیت دارند ... و تعلیمات فنی<sup>(۴)</sup> نیز باید به طور کلی در دسترس همگان قرار گیرد.» از نگاهی دیگر، اهمیت تعلیم و تربیت در آن است که مرتب و مترقی و نیز جامعه آنان، درک صحیحی از زندگی پیدا می‌کنند و به ارتقای کیفی منش و اندیشه متعالی دست می‌یازند. اگر کارکردهای تعلیم و تربیت ناعفهوم و ناکافی باشد، جریان رشد فرد و جامعه یا به بی‌راهه می‌رود یا متوقف می‌شود.<sup>(۵)</sup>

با این وجود، مروری بر سر تا سر تاریخ تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که همواره یادگیرندگانی وجود داشته‌اند - دارند - که به دلیل وجود برخی ناتوانیها و دشواریهایی که دارند، برای آموختن و استفاده از منابع گوناگون آموزشی<sup>(۶)</sup> دچار مشکلات عدیده‌ای بوده‌اند. این موانع و محدودیتها ریشه در برخی مشکلات و نارساییهای محیطی، اجتماعی، فرهنگی و شخصی دارند<sup>(۷)</sup>

نیازمند از طریق آموزشهای شغلی (که بخش عمده این آموزشها در نظام آموزش کشاورزی به عهده ترویج گذاشته شده است) به حقوق اساسی اجتماعی خود نایل گردند.

## ■ ضرورت

بلوم اندیشمند و روانشناس معروف آمریکایی، درباره توانایی آموزش و یادگیری میگوید: «آنچه که یک فرد می تواند در جهان بیاموزد، همه مردم دنیا در صورتی که شرایط قبلی در جای مناسب برایشان فراهم شود، نیز می توانند بیاموزند.»<sup>(۱۲)</sup> برای این اساس، صرفاً به لحاظ آن که فردی دچار یک معلولیت یا نارسایی است، نمی توان به صورت قطعی بیان کرد که وی برای اموختن و یادگیری آمادگی و شرایط لازم را ندارد، بلکه باید شرایط مناسب را برای وی فراهم ساخت. در این صورت، افراد مزبور همانند سایر افراد عادی به خوبی می آموزند و یاد می گیرند.

افراد معلول، عقب مانده یا ناتوان را نباید غیر کارآمد پنداشت. زیرا، آنان از عهده کارهای متناسب با توان خویش به خوبی برمی آیند. یک تحقیق در مورد پانصد ۵۰۰ کارگر معلول نشان داده است که، معلولین نه تنها در زمینه انجام وظایف شغلی قادر به رقابت با همکاران سالم خود هستند، بلکه می توانند از آنان پیشی گیرند. از نظر قابلیت اعتماد، ۹۶ درصد کارگران معلول، توانایی متوسط و بیشتری در زمینه کارایی داشته اند. ۹۳ درصد از نظر کار در حد متوسط یا بیشتر بوده و ۷۹ درصد نیز، از نظر حضور و غیاب در حد متوسط یا بالاتر بوده اند.<sup>(۱۳)</sup>

از دیدگاه دیگر، خانواده هنگامی یک واحد اجتماعی مطلوب، موفق و پویا محسوب خواهد شد، که افراد ناتوان آن خانواده نیز، در حد معقول در کایه فعالیتهای خانواده عضویت مؤثر داشته باشند. در این صورت، شخص، احساس بهبودی نخواهد کرد و خود را سربار خانواده اش نمی داند. این در حالی است که در غیر این صورت، افراد مزبور به خانواده هایشان شدیداً وابسته خواهند شد. همچنین مشکلات متعددی برای خود و آنان ایجاد می کنند و کربانها و انگیزه هایشان کم رنگ می زایل و اجتماعا منفی می شود.

هرگونه معلولیت و نارسایی در زندگی، موجب می شود فرد از خوشبختی تحویبری منفی بسازد.

این امر: بر عملکرد و کارآمدی او نیز تأثیر خواهد گذاشت و بر استقلال فردی، احترام شخصی و روابط اجتماعی وی تأثیر فراوان دارد.<sup>(۱۴)</sup>

بر اساس یافته های پژوهشی، عموماً افراد معلول و ناتوان در خود احساس حقارت می کنند و نوعی ترس همراه با خصومت در آنان شکل می گیرد. اصولاً، هرگونه تغییر غیر طبیعی در وضعیت بدنی، مخاطرات زیادی برای افراد مبتلا فراهم می کند. به خصوص، در آنان احساس ناکامی در زندگی پدید می آید و همواره ناسازگاری، گوشه گیری، کمرویی، احساس حقارت، حساسیت زیاد، پرخاشگری، اضطراب، هیجانات و ... در آنان به وضوح دیده می شود. یک نکته مهم دیگر آن است، که در صورت بروز نقصهای بدنی و ذهنی و نیز نارساییهای گوناگون در فرد، دامنه فعالیت های شغلی و اجتماعی وی محدود خواهد شد و بر کارآمدی حرفه و شغل او نیز، تأثیر فراوان می گذارد.

بر پایه گزارش یونسکو، جوانان روستایی بزرگترین گروه سنی جهان را تشکیل می دهند. اما متأسفانه، از نظر اجتماعی موقعیت و مقام آنان مبهم است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه، از جنبه اقتصاد کشاورزی، جوانان روستایی طبقه مهم و کارآمدی هستند. (در مقایسه با جوانان شهری که غالباً مصرف کننده می باشند.)<sup>(۱۵)</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده. این سؤال مطرح می شود که آموزش و ترویج کشاورزی برای افراد روستایی که دچار برخی ناتوانیها شده اند (جدای از توسعه مطلوبیتهای فردی)، چه اندازه مهم و ضروری است؟

پاسخ به این پرسش، به ویژه برای جامعه ای مانند ایران، که در فرایند صنعتی شدن به سر می برد، بسیار اساسی است. زیرا در این فرایند، همه افراد جامعه باید از مواهب اجتماعی (همانند بهره برداری از خدمات آموزشی) برخوردار باشند تا بتوانند در جریان توسعه، نقشی را از نقشهای مؤثر ایفا کنند و در مشارکت همگانی برای نیل به قلّه رفیع اهداف ملی، سهم خود را بپردازند.

بدیهی است، اشتغال در حرف مختلف کشاورزی، در صورتی مطلوب، مؤثر و کارآمد خواهد بود که فرد شاغل تواناییهای لازم را برای انجام وظایف خویش داشته باشد. اگر چه در

کشاورزی برخی مشاغل به افراد کاملاً مستعد یا برخوردار از سلامتی کامل نیاز دارد، ولی برخی مشاغل هم وجود دارد که افراد کم استعداد یا دارای برخی ناتوانیها، می توانند در آن مشاغل به نحوی موفقیت آمیز انجام وظیفه کنند.

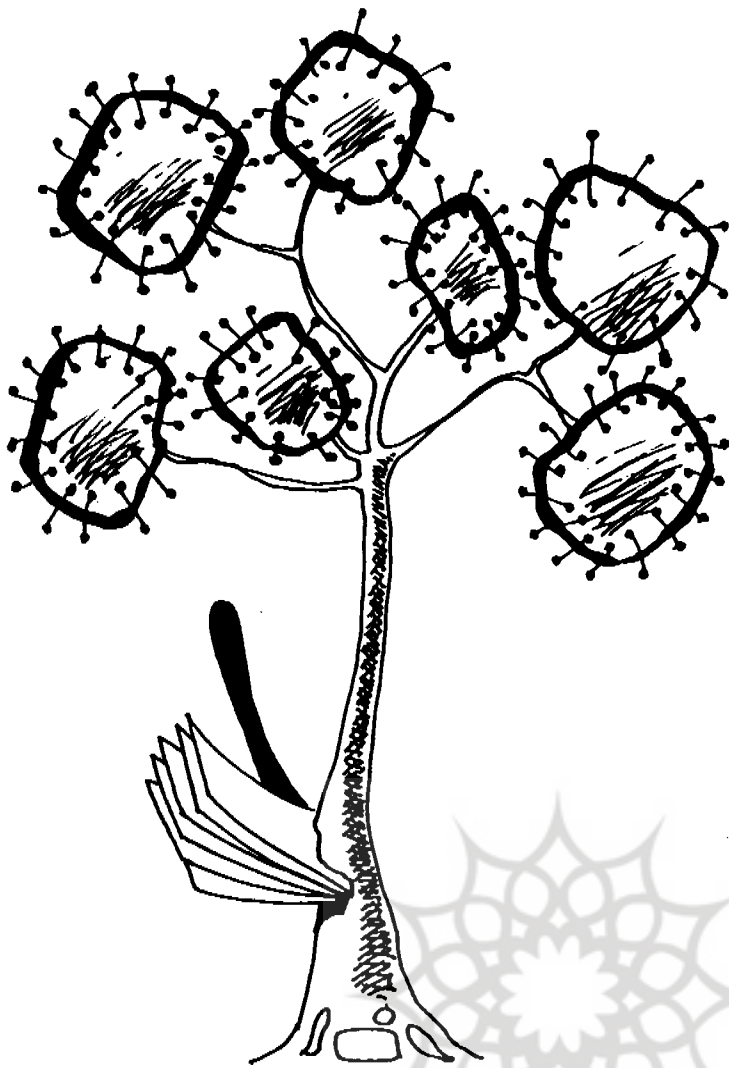
به این ترتیب، افراد معلول، عقب مانده و ناتوان مشروط به آن که «آموزش پذیر» باشند، می توانند منشأ خدمات ارزنده ای برای جامعه خویش واقع شوند. بدیهی است یک شرط اساسی تحقق این امر، صرفاً آن است که این گونه افراد، از آموزشهای مناسب برخوردار شوند. بر این باور، ایجاد و تأمین فرصتهای آموزشی ویژه برای افراد مزبور (همانند مردم عادی) یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

از آنجا که بخش اعظم آموزش غیر رسمی کشاورزی برای شاغلین حرف و مشاغل گوناگون کشاورزی در غالب کشورها و نیز ایران، توسط نظام ترویج طرح ریزی و اجرا می شود؛ بنابراین، بر نظام ترویج کشاورزی کشور است، که برای تحقق عدالت اجتماعی برای روستاییانی که گرچه، به دلیل برخی ناتوانیهای جسمی و روانی و نارساییهای اجتماعی، مشکلات و موانعی بر سر راه توسعه خود و جامعه دارند، خدمات آموزشی - ترویجی ویژه ای فراهم سازد تا این قشر از مردم روستا، که به نوعی واژه استضعاف و فقر بر آنها مترتب است، به رشد و کمال مطلوب فردی و اجتماعی دست یابند. این در حالی است، که اگر مسؤولان، برنامه ریزان و عوامل ترویج در روستا، دست به دست هم دهند و موفق شوند، برای این افراد برنامه های آموزشی ویژه ای تدوین کنند، به طوری که نیازهای خاص آنان برای تکامل و توسعه مرتفع شود، در این صورت، ترویج کشاورزی، در تحقق عدالت اجتماعی و فقرزدایی روستا، گامی اساسی برداشته است.

## ■ ناتوانیها و دشواریها

چه کسانی دارای نیازهای خاصی<sup>(۱۶)</sup> هستند، که ضروری است، مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه به منظور برآورده ساختن آن نیازها، تدارک دیده شود؟

نشانه های بارزی وجود دارد، که بعضی از افراد هر جامعه و از جمله کشاورزان و روستاییان دچار کمبودها و یا نقصهایی هستند، که موجب شده است، از سلامتی کامل برخوردار نباشند.



عقب‌ماندگی ذهنی، نابینایی، ناشنوایی، معلولیت‌های جسمی، فقر شدید اقتصادی و ... از جمله ناتوانیها و دشواریهایی هستند که عموماً ناشی از چهار عامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی یا شخصی می‌باشند. افراد مبتلا، برای غلبه بر این مشکلات، نیازهای خاصی دارند که باید در برنامه‌های آموزشی - ترویجی جداً مورد نظر قرار گیرند و خدمات و مراقبت‌های ویژه‌ای به آنان ارائه شود.

در این راستا، عوامل ترویج می‌باید فرصت و دقت لازم و کافی را مهیا سازند تا این افراد را برای اشتغال، در حرف و مشاغل کشاورزی آماده سازند و نیز افراد مشاغل را در جهت توسعه و تقویت دانش و مهارت‌های شغلی حمایت کنند.

جای خوشبختی است که افراد مبتلا به این گونه ناتوانیها و دشواریها، غالباً هم برای افراد جامعه روستا و هم برای عوامل ترویج (مستقر) در روستا عموماً آشنا و شناخته شده هستند. زیرا، طبیعتاً روستا محیطی کوچک و کم جمعیت است. بنابراین، ارتباطات انسانی تقویت یافته و شناخت افراد از یکدیگر میسر و امکانپذیر است. در هر صورت، عوامل ترویج وظیفه دارند. به این افراد توجه خاص مبذول نمایند و آنها را تحت مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه قرار دهند تا نیازهای خاص آنان مرتفع شود.

به طور کلی روستاییان که نیاز به مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه دارند، کسانی هستند که در فرایند آموزش - یادگیری موانع عمده‌ای بر سر راه خود دارند. از این رو لازم است تدریس - یادگیری و خدمات ترویجی ویژه منطبق با نیازهای خاص آنان اتخاذ شود. این افراد به یک یا چند مورد از موارد زیر مبتلا هستند:

### ۱- ناتوانیها، شامل:

- الف- نقص شنوایی
- ب- نقص بینایی
- ج- نقص گویایی
- د- عقب‌ماندگی ذهنی (معلولیت‌های ذهنی)
- ه- نقص عضو (معلولیت‌های جسمی)
- و- سایر نقصهایی که سلامتی فرد را به مخاطرد انداخته است.
- ز- شفتگیهای روحی (اضطراب، هیجان و ...)
- ح- ناتوانیهای خاص یادگیری

ط- ترکیبی از -قصه‌های متفاوت (چند ناتوانی)<sup>(۱۷)</sup>

### ۲- دشواریها شامل:

- الف- دشواریهای اقتصادی (درآمد خانواده بسیار کم و حتی زیر خط فقر است)
- ب- دشواریهای تحصیلی (کم سواد، بی سواد، فاقد بودن مهارت‌های سواد و ...)
- ج- دشواریهای کوشی و بیانی (افرادی که زبان ملی کشور، زبان مادری آنها نیست و نمی‌توانند، فارسی را خوب صحبت کنند).

### ■ مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه

مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، خدماتی آموزشی و حمایتی هستند که بعد از شناسایی افراد نیازمند، به آنها ارائه می‌شود. در این رهیافت، ارائه آموزش از دو جنبه زیر، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود:

- ۱- نیازهای آموزشی فرد (برای تقویت و جبران کمبودهای آموزشی)
- ۲- نیازهای خاص فرد (با توجه به نیازهای ناشی

از ناتوانیها و یا دشواریهایی که دارد) بنابراین، در مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، علاوه بر توانمندیها، دانش، مهارت، تجارب و علایق نیازهای خاص فرد نیز، از محورهای اساسی برنامه‌ریزی به شمار می‌آید. هنگامی که افراد با نیازهای خاص شناسایی شدند و مشخص گردید که قادر هستند از آموزش و ترویج کشاورزی بهره‌مند شوند (آموزش‌پذیر هستند). چه خدماتی برای آنان باید تدارک دیده شود؟ چه برنامه‌ای و با چه روش و محتوایی تدوین گردد؟

در پاسخ به این گونه پرسشها، می‌توان گفت: عموماً در فرایند برنامه‌ریزی مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه، تواناییها و دشواریها، علایق، تجارب و نیازهای خاص نقش اساسی دارند. همچنین، خانواده و افراد وابسته به فرد مورد نظر می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره خصوصیات و نیازهای جسمی و روحی وی ارائه دهند که برای انتخاب راه و روش ارائه خدمات ضروری هستند. به این ترتیب، مراقبت‌های آموزشی - ترویجی ویژه در زمره آموزشهای «فراگیر - محور»<sup>(۱۸)</sup>

محسوب می‌شوند. زیرا نیازهای آموزشی و ویژگیهای فردی دو محور اساسی و زیربنایی طراحی و گزینش روشهای آموزش، تجهیزات و وسایل و نیز ارزشیابی خواهند بود. به بیان دیگر، در مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه، برنامه و عناصر آن با ویژگیهای فرد منطبق و سازگار شده است.

شناسایی دقیق افراد با نیازهای خاص، یک گام اساسی در فرایند تأمین فرصتها و تجارب آموزشی موفق برای جامعه است. گرچه احتمال دارد، برخی از این افراد در گذشته از مراقبتهای آموزشی بهره‌مند شده باشند، اما با استفاده از منطق «تداوم آموزشی» و «آموزش مادام‌العمر»<sup>(۱۹)</sup> ضرورت دارد، عوامل ترویج آگاهانه و از روی علاقه، این مراقبتهای را به طور مستمر برای آنان تدارک و تأمین نمایند.

عوامل ترویج و آموزشگران روستایی برای شناسایی دقیق زوایای جسمی و روحی افراد ناتوان و نیز طراحی برنامه برای ارائه خدمات ویژه به آنها، باید از تخصص لازم برخوردار باشند.<sup>(۲۰)</sup>

به طور کلی در مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه، باید موارد زیر مورد نظر قرار گیرند:

- توسعه مهارتهای اساسی  
- تقویت آنها در راستای فعالیتهای اجتماعی و شغلی

- توسعه تجارب شغلی و حرفه‌ای  
- آموزش عادات مطلوب شغلی

در ذیل به برخی از انواع یا شیوه‌های ارائه مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه اشاره می‌شود. بدیهی است، هر یک از وضعیتها و موقعیتهای، نوع و شیوه‌های خاصی را می‌طلبد. از این رو، نمی‌توان هر کدام را به تمامی شرایط تعمیم داد. نکته دیگر آن است که برنامه‌های متعدد و گوناگونی برای ارائه مراقبتهای ویژه می‌توان ارائه داد، گرچه اساس و محور همه آنها، ارتقای دانش، بینش و مهارتهای شغلی افراد معلول و ناتوان است. اما نکته‌ای که آنها را در گزینش و اجرا متفاوت می‌سازد، نوع ناتوانی (نیاز خاص) و نوع نیاز آموزشی (دانش، مهارت، نگرش) افراد مزبور است.

### ■ توان بخشی حرفه‌ای

توان بخشی حرفه‌ای از جمله آموزشی و ویژه‌ای محسوب می‌شود که قصد آن ارائه آموزش

و خدمات ترویجی و هماهنگی است که به صورت راهنماییهای حرفه‌ای، 'موزش حرفه‌ای و نیز گزینش حرفه مناسب انجام می‌شود. در واقع، این فرایند، نوعی مراقبت ویژه برای افراد معلول است. هدف توان بخشی، مدرسانی به افراد ناتوان و معلول برای توسعه شغلی یا آماده ساختن آنان به منظور تصدی شغل جدید است. توان بخشی حرفه‌ای می‌باید موارد ذیل را مورد تأکید قرار دهد:<sup>(۲۱)</sup>

- کیفیت شغلی و کارآمدی فرد مورد نظر را ارتقاء و توسعه بخشد.

- ماهیت وظایف شغلی فرد با ناتوانی و معلولیت‌های وی سازگار شود.

- شغل فرد، دقیقاً مورد تجزیه و تحلیلی قرار گیرد و وظایف شغلی او از زوایای مختلف موشکافی شود.

- مهارتهای لازم برای ترفیق در انجام وظایف با توجه به ناتوانیهای فرد بررسی گردد.

- شرایط انجام کار دقیقاً مطالعه شود.

### ■ سوادآموزی

مراقبتهای آموزشی - ترویجی برای آماده ساختن افراد روستایی ارزیابی کار کشاورزی، باید افرادی را که با دشواریهای تحصیلی مواجه‌اند، تشویق کند. این رویکرد، در راستای ایجاد وضعیتی است که فرد را برای درک سریع‌تر و بیشتر دانش و مهارتهای کشاورزی آماده سازد. بدیهی است، جهت نیل به این مقصود، تقویت و توسعه مهارتهای اساسی سواد، یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن اجتناب‌ناپذیر است.

حمایت افرادی که به دشواریهای آموزش عمومی (سواد) دچار شده‌اند، برای توانا ساختن آنان در زمینه تشخیص مسائل و انتخاب راه حل‌های مناسب (انتخاب هدف، تصمیم‌گیری، طرح برنامه و...) یک امر اساسی است. بیشتر این افراد، چه بزرگسال یا جوان، به علت نداشتن تواناییهای لازم، هنوز چگونگی برخورد با مسائل (تشخیص مسئله و انتخاب راه حل آن) را نمی‌دانند.<sup>(۲۲)</sup>

عوامل ترویج روستایی می‌توانند، از طریق تدوین برنامه‌های مناسب، مراقبتهای ویژه‌ای را برای کمک به این گونه افراد مهیا سازند تا از طریق حوزه و سازمان مسوول ترویج، آنها را به اجرا درآورند، یا ترتیبی اتخاذ کنند، تا روستاییان

نیازمند به سازمانهای سوادآموزی (مانند نهضت سوادآموزی) هدایت شوند.

### ■ مهارتهای خانگی

یکی از مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه برای ارائه خدمات آموزشی به افراد ناتوان، ملاقات در خانه است. امتیاز این رویکرد آن است، که عوامل ترویج قادر خواهند شد، از موقعیتهای مشکلات افراد مزبور درک بهتری به دست آورند. به علاوه، ملاقاتهای خانگی موجب می‌شود، عوامل ترویج، احساسات و گرایشهای مثبت فرد را نسبت به آموزش، جامعه و تلاشهای سازنده شغلی توسعه بخشند. این امر ارمغانی است که عوامل آموزشی ترویج، از راههای دیگر کمتر به آن دست می‌یابند.<sup>(۲۳)</sup> بر این اساس، ملاقات در خانه روش مؤثری هم برای فرد و هم برای خانواده وی خواهد بود. زیرا موجب خواهد شد، در توسعه فعالیتهای کار و حرفه بسیار بهتر، زودتر و موفق‌تر عمل کنند.

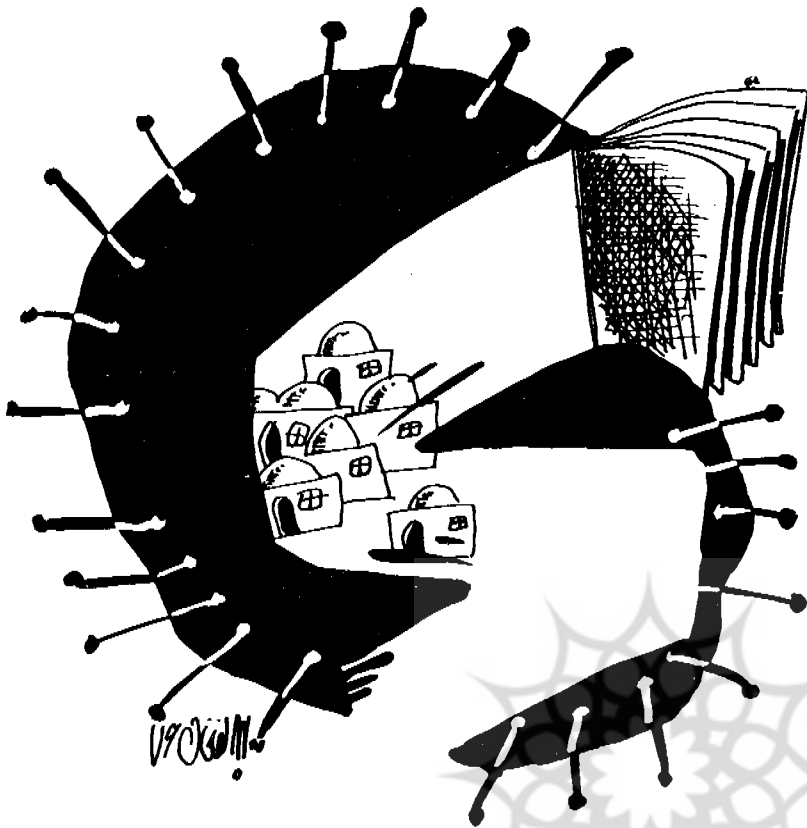
ملاقاتهای خانگی، زمینه‌های لازم را برای تشخیص نیازها و انگیزه‌های افراد ناتوان، به نفع عوامل ترویج، تسریع می‌سازد و بر این پایه قادر خواهند شد. مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه خود را به نحو مطلوب‌تری اجرا و پیگیری نمایند.

### ■ کار درمانی

کاردرمانی نیز، یکی از مجموعه برنامه‌های آموزشی - ترویجی ویژه است که تحت تأثیر آن برای انجام صحیح و کارآمد وظایف شغلی، رفتار و مهارتهای لازم، به فرد معلول و ناتوان تعلیم داده می‌شود. در فرایند کاردرمانی، فرد نیازمند، مسهات‌های مورد نظر را از طریق راهنمایی و آموزشهای مقطعی در حین انجام کار، کسب می‌کند و به ویژه، به ارزشها و تواناییهای فردی خویش پی میبرد. بنابراین، ضمن تقویت انگیزه خود، با به صورت فردی مثبت و با ارزش در عرصه فعالیتهای اجتماعی می‌پندارد.

### ■ برنامه‌های آموزشی انفرادی

تدوین برنامه‌های آموزش انفرادی<sup>(۲۴)</sup> از نظر ماهیت و محتوا، برای افرادی که دچار ناتوانی و دشواریهایی در زمینه کار و یادگیری هستند، بسیار مؤثر است.



### ■ نتیجه و پیشنهاد

از آنجا که افراد کشاورز و روستایی معلول و ناتوان و نیز افرادی که دارای معضلات و محرومیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی در روند آموزش و ترویج کشاورزی دچار مشکلات و نیازهای خاص هستند. غالباً این نیازهای آنان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از این رو، در عرصه برنامه‌های آموزشی... ترویجی جایی ندارند و در نتیجه، از رشد و توسعه فردی، به ویژه ارتقای دانش و مهارت‌های شغلی محروم می‌مانند.

از سوی دیگر، دیدگاه انسانی و با عنایت به فرامین دین مبین اسلام و نیز حقوق اجتماعی پذیرفته شده در جهان امروز، آموزش، یک حق همگانی و در راستای عدالت اجتماعی است. بنابراین، بر نظام ترویج کشاورزی هر کشور لازم است، برای شهروندان و کلیه افرادی که در زمینه حرف و مشاغل گوناگون کشاورزی مشغول به کار هستند، زمینه‌های مناسب را در جهت ارتقای دانش و مهارت‌های آنان فراهم سازد. آماده‌سازی این بستر رشد و توسعه، به ویژه برای روستاییان و کشاورزان معلول و محروم، ضرورت بیشتری دارد.

پی برد. ملاقات افراد مزبور در هنگام انجام کار یا طبیعت و ماهیت وظایف ترویج کشاورزی بسیار سازگار است. عوامل ترویج، در این وظیفه‌مند هستند تا در جریان این ملاقات‌ها، هدایت‌های آموزشی و ترویجی، تشخیص دقیق‌تر نیازها پیگیری قبلی، انطباق مهارت، شغل و توانایی فرد و... را جاری سازند. علاوه بر آن رویکرد، ملاقات ضمن کار، موجب می‌شود، ارزشیابی و سنجش آموخته‌های فرد مورد نظر به آسان‌ترین شیوه برای عوامل ترویج میسر گردد.<sup>(۲۶)</sup>

### ■ ارزشیابی

در مورد ارزشیابی<sup>(۲۷)</sup> مراقبت‌های ویژه ممکن است لازم شود، از سبک و شیوه خاصی برای ارزشیابی آموخته‌های افراد ناتوان و معلول استفاده گردد. در تعیین روش‌های ارزشیابی، باید فرد یا افراد مورد نظر، مشارکت کامل داشته باشند. زیرا اگر ارزشیابی بر آن باشد که موجب پیشرفت آموزشی و تقویت انگیزه یادگیری و توسعه شغلی افراد ناتوان شود، لازم است این افراد را با شیوه‌هایی که با توانایی‌های آن سازگار است ارزشیابی کرد (شفاهی، کتبی، عملی، ...).

در صورت مشاهده افراد ناتوان و معلول، می‌توان برای آنان برنامه‌های آموزش انفرادی تدوین کرد. برنامه‌های آموزشی انفرادی، چارچوبی است که عوامل ترویج و آموزشگران روستایی می‌توانند، بر اساس آن برای فرد مورد

نظر، یک طرح آموزشی و ترویجی اختصاصی تهیه کنند. متأسفانه، در حال حاضر عموماً مسئولین و عوامل آموزشی ترویج، نسبت به این امر تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند.

با توجه به فلسفه مردمی بودن ترویج، عوامل ترویج، بهتر از هر کسی می‌توانند نیازهای این افراد را شناسایی کنند. اما نکته مهم آن است که در مراحل تدوین این برنامه باید فردی که برای وی برنامه‌ریزی می‌شود، مشارکت جدی داشته باشد تا برای اجرای برنامه، راهبرد و راه کارهای مطلوب‌تر، واقعی‌تر و عملی‌تر اتخاذ شود.

برای شناسایی افراد ناتوان و سنجش نیازها و مشکلات خاص آموزشی آنان و تدوین برنامه آموزشی انفرادی باید گام‌های زیر مورد تأکید و رعایت قرار گیرد.<sup>(۲۸)</sup>

- ۱- بررسی نیازهای خاص فرد از جنبه ناتوانیها و دشواریهایی که دارد. (نیازهای ویژه فرد)
- ۲- سنجش توانمندیها، اطلاعات و تجارب شغلی فعلی فرد (نیازهای آموزشی فرد)
- ۳- تدوین هدفهای آموزشی دقیق و واضح در ابعاد کوتاه مدت و سالانه (برای برآورده ساختن نیازهای شناسایی شده)
- ۴- تدوین برنامه‌ای برای نیل به هدفهای تدوین شده با مشارکت جدی خود فرد (مراقبتهای آموزشی - ترویجی ویژه)
- ۵- مشخص ساختن زمان شروع و پایان مراحل برنامه به تفکیک هر هدف آموزشی و با توجه به نظرات و توانایی فرد مورد نظر (تقویم آموزشی)
- ۶- تدوین راهبردهای سنجش ارزشیابی از آموخته‌های فرد، به منظور آگاهی از میزان تحقق هدفهای آموزشی و استفاده از باز خورد برای بهبودبخشی برنامه

### ■ ملاقات‌های ضمن کار

ملاقات‌های ضمن کار، همانند ملاقات‌های خانگی روی کردی مؤثر است. تا از آن طریق بتوان به زوایای روحی - جسمی و مهارتی افراد ناتوان